**مطلب یکصد و هفتاد و هفتم \_ نایب السلطنه ولد**

**سلطان ناصرالدین شاه**

قوله تعالی : " ... اظهار رضامندی از مصدر حکم ظاهری نبوده یعنی حضرت سلطان و همچنین از ولدشان که بنائب السلطنه معروفست بر حسب ظاهر بعد از خروج محبوسین چند مرتبه نائب السلطنه بعضی را طلبیده و صحبت نموده و بکمال ملاطفت و مهربانی رفتار کرده بشأنی که شخصی از ارض طاء در حق دوستان کلمهٴ نالایقی گفته حکم بر نفیش شده و آنشخص رفته در خانهٴ سید صادق بست نشست بعد خود احباء از او توسط نمودند و مرخص شد و شخص مذکور اراده نموده بعضی از کتب منزله را ملاحظه نماید .... آنچه از اطوار و بیانات حضرت مقصود روح من فی العالمین فداه ظاهر میشود غیر این امور است و مقدس از ادراک و عقول مع آنکه این ایام بکمال اقتدار از سجن اعظم بیرون تشریف آوردند و در اول بستان را بطراز منظر اکبر مزین فرمودند و بعد بقصریکه ارفع از کل قصور این اراضی است و در این ممالک مشهور تشریف بردند معذلک یومی از ایام کلمهئی فرمودند و آن کلمه مشعر و مدل بر اینست که سجن اعظم را ترجیح دادند در اینصورت اقبال عالم و اعراض آن چه مقامی دارد .... بحر علم ظاهر و ناس بحبل جهل متمسک و شمس فضل مشرق و اکثری از آن معرض لم ادر هل اشتبه علیهم ام هم میتون و اگر اخبار ارض مقصود را بخواهید کما فی السابق است مگر آنکه نزاع و جدال سبب انقلاب و اغتشاش شده بعضی از طرق مسدود گشته و ماکولاتی که ناس بآن محتاجند بقیمت اعلی رسیده بشأنیکه رائحه قحط استشمام میشود ...."